

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

عدالت

با

توهین به صاحب شریعت ﷺ !!

۱۷ بهمن ۱۳۸۶

۲۸ مهر ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ﴾^(۱) .

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها راستگویانند .

چکیده سخن؛

در جلسه گذشته دومین آیه ای را که اهل سنت برای اثبات عدالت صحابه به آن استناد می کنند بیان نمودیم و شأن نزول سوره حشر و آیات مدّ نظر اهل سنت را توضیح دادیم .

همانطور که بیان شد سوره حشر در مورد غزوه بنی نضیر نازل شد؛ زیرا یهودیان بنی نضیر از یک سو به پیمان خود با مسلمانان وفادار نماندند و از سوی

۱- سوره حشر، آیه ۸.

دیگر به جای عذر خواهی، نقشه قتل رسول الله ﷺ را طراحی کردند. آنان به خاطر این خیانت مجبور شدند قلعه‌های خود را رها نموده و مدینه را ترک کنند. خداوند متعال نیز به پیامبر ﷺ دستور داد که اموال و مزارع باقی مانده از بنی نضیر را بین مهاجرانی که در اوج تنگدستی و نیازمندی بودند تقسیم نمایند.

استدلال اهل سنت؛

اهل سنت و قائلین عدالت صحابه برای اثبات نظر خود به آیات ۱۰ - ۸ این سوره استناد می‌نمایند. برای بررسی صحت و سقم نظر آنان، نخست استدلال اهل سنت و چگونگی تمسک به آیات فوق را بیان می‌نماییم.

اهل سنت برای اثبات عدالت مهاجرین به آیه ذیل استناد می‌کنند:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^(۱).

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند و آنها راستگویانند.

طبق آیه فوق، مهاجرین انسانهایی عادل می‌باشند؛ زیرا خداوند متعال به پیامبر ﷺ دستور داد که اموال خاص خود را در میان مهاجرین تنگدستی که با جبر و زور از خانه و کاشانه خود رانده شده بودند تقسیم نماید. ادامه آیه، سه ویژگی دیگر برای مهاجرین بر می‌شمرد که اهل سنت برای اثبات ادعای خود به آن تمسک می‌کنند؛ آن ویژگیها عبارتند از اینکه آنان فضل و رضوان الهی را

۱- سوره حشر، آیه ۸.

می‌طلبند، خدا و رسول الله ﷺ را یاری می‌کنند و از راستگویان می‌باشند.

در مورد عدالت انصار نیز به آیه ذیل استناد می‌کنند:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۱).

و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را برخود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند.

اهل سنت اینگونه استدلال می‌کنند که عدالت انصار به این دلیل است که آنان خانه ایمان را بنا نهادند، مهاجرین را از صمیم قلب دوست می‌دارند، آنها را بر خود ترجیح می‌دهند و دو رذیلت اخلاقی بخل و حرص را در خود از بین برده‌اند.

از نظر اهل سنت چون خداوند سبحان مهاجرین و انصار را به اوصاف و عناوین فوق متصف کرده است از یک طرف عدالت آنان ثابت می‌شود؛ زیرا عدالت لازمه دارا بودن اوصاف مذکور است، و از سوی دیگر آیندگان نیز حق بدگویی از آنان را ندارند؛ زیرا خداوند سبحان در ادامه آیات فوق می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

۱-سوره حشر، آیه ۹.

بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱﴾ .
 همچنین کسانی که بعد از آنها (مهاجرین و انصار) آمدند و می‌گویند:
 پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز و در
 دلهایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو
 مهربان و رحیمی .

طبق آیه فوق آیندگان تا روز قیامت موظف اند برای مهاجرین و انصار
 طلب آمرزش نمایند و از خداوند متعال بخواهند که کینه‌ای از آنان در دل نداشته
 باشند. بنابر این مسلمانان نباید از صحابه کینه‌ای به دل داشته باشند و در غیر
 این صورت مسلمان نیستند. همچنین مسلمانان حق ندارند اشکالات، انحرافات
 و واقعیات روی داده در صدر اسلام که از صحابه سر زده است را نقل و بازگو کنند.

نقد و بررسی ادله اهل سنت؛

اکنون باید بررسی نمود که آیا آیات فوق مدعی اهل سنت مبنی بر عدالت
 مهاجرین و انصار را ثابت می‌کند یا خیر؟

عدالت مهاجران و قیود آن؛

بر اساس آیات ذکر شده مهاجرین مشمول لطف الهی هستند، ما نیز این
 واقعیت را می‌پذیریم اما اگر آیه‌ای را که خداوند متعال، در آن مهاجرین را مدح و
 ستایش کرده است مورد دقت قرار دهیم در می‌یابیم قیود و ویژگی‌هایی در آن آیه
 ذکر شده است که شامل همه مهاجرین نمی‌گردد؛ در نتیجه عده محدودی از

۱-سوره حشر، آیه ۱۰.

مهاجرین مورد ستایش الهی قرار گرفته‌اند.

قیودی که خداوند متعال با آنها مهاجرین را ستایش کرده عبارتند از:

۱ - ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ﴾ .

مهاجرانی که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند.

بنابر این ستایش موجود در آیه به کسانی که بدون اجبار مشرکان به مدینه

آمدند و یا در زمانهای دیگری به مهاجرین ملحق شدند، تعلق نمی‌گیرد.

۲ - ﴿يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ .

فضل و رضای الهی را می‌طلبند.

بنابر این قید، فقط آن دسته از مهاجرین که برای رسیدن به فضل و

رضوان الهی و با قصد قربت به سوی مدینه حرکت کردند مورد مدح خداوند متعال

قرار گرفته‌اند.

خداوند متعال در آیه دیگری در رابطه با این گروه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^(۱).

هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او از خانه خود بیرون

رود سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خدا است و خداوند آمرزنده

و مهربان است.

هجرت مانند دیگر اعمال عبادی، هنگامی که خالصانه و با قصد قربت

همراه باشد مستحق پاداش و اجر خواهد بود. شخصی که برای رسیدن به مقاصد

دنیوی و یا برای تظاهر به دینداری عبادت نماید، اعمال او باطل خواهد بود و

۱-سوره نساء، آیه ۱۰۰.

هیچ ارزشی نخواهد داشت.

در صدر اسلام افراد با هوش و زیرکی می‌زیستند که علاوه بر درایت و دور اندیشی به کتب یهودیان نیز آگاه بودند و می‌دانستند در آینده‌ای نزدیک، پیامبری ظهور خواهد کرد که دین او تمام جزیره العرب را فرا می‌گیرد. این افراد که در قرآن به «بیماردلان» معروف شده‌اند، به ظاهر اسلام آورده بودند اما در باطن مؤمن نبودند. عده‌ای از این بیماردلان برای دستیابی به مقام و مناصب دنیوی همراه رسول الله ﷺ به مدینه هجرت کردند، اما چون نیت خالص نداشتند هرگز آیه فوق و مدح الهی شامل حال آنان نمی‌گردد.

۳ - ﴿وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ .

خدا و رسولش را یاری می‌کنند.

افراد زیادی در میان صحابه بودند که برای خود مقام و جایگاه ویژه‌ای در نظر داشتند اما هنگام جنگ فرار را برقرار ترجیح می‌دادند. عده‌ای دیگر هنگام جنگ پنهان می‌شدند تا به میدان جنگ نروند. اگر علم رهبری جنگ به دست آنان داده می‌شد، علاوه بر فرار، مؤمنین دیگر را نیز از دشمنان می‌ترساندند. به عنوان مثال در جنگ خیبر پیامبر ﷺ روز اول پرچم را به ابو بکر داد، اما او از مقابل دشمن گریخت. روز دوم علم را به عمر داد. او نیز همان کاری را کرد که روز گذشته رفیقش انجام داد. سپس پیامبر ﷺ فرمودند:

« لا عطين الراية غداً رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله كزار غير فؤار»^(۱).

۱- کافی، جلد ۸ صفحه ۳۵۱، از منابع اهل سنت بنگرید به: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۰ و مسند احمد، جلد ۵ صفحه ۳۳۳.

فردا پرچم را به کسی می سپارم که خدا و رسول را دوست می دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می دارند، می رزمند و نمی گریزند.

اهل سنت به نقل از عمر روایت کردند که همواره می گفت: «حاضر تمام شترهای سرخ موی را بدهم اما در قبال آن یکی از فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام به نام من ثبت شود»^(۱).

کسانی که دارای آمال و آرزوهای دنیوی بودند و چیزی جز امارت و خلافت بر جزیره العرب را در سر نمی پروراندند از جهاد و مرگ هراسناک بودند. اما کسانی که رضای الهی را می طلبند از جهاد و شهادت نمی ترسند و در راه اسلام جانفشانی می کنند.

در غزوه حنین همین مهاجرین و انصار بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تنها گذاشتند و این سنگ محکی شد تا آیندگان به راحتی بتوانند قضاوت کنند که چه کسانی خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را یاری کردند و چه کسانی فرار کردند. اهل سنت در روایتی نقل می کنند که در جنگ حنین همه سپاهیان فرار کردند و تنها چهار نفر در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باقی ماندند.

«لَمَّا فَرَ النَّاسُ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم يَوْمَ حُنَيْنٍ جَعَلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ: أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ، أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ، فَلَمْ يَبْقَ مَعَهُ إِلَّا أَرْبَعَةٌ؛ ثَلَاثَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَرَجُلٌ مِنْ غَيْرِهِمْ؛ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْعَبَّاسُ وَهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَبُو سَفْيَانَ ابْنُ الْحَرِثِ أَخَذَ بِالْعَنَانِ وَابْنُ مَسْعُودٍ مِنْ جَانِبِهِ الْأَيْمَنِ»^(۲).

هنگامی که در جنگ حنین مسلمانان فرار می کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۲۵ و مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۲۰.

۲- المصنّف، جلد ۸ صفحه ۵۵۲.

فرمودند: من پیامبری راستگو هستم و فرزند عبدالمطلب می‌باشم. در ادامه جنگ همه گریختند و تنها چهار نفر باقی ماندند؛ سه نفر از بنی هاشم و یک نفر دیگر. آن سه نفر عبارت بودند از علی ابن ابی طالب [علیه السلام] و عباس که پیشایش رسول الله ﷺ بودند و ابوسفیان که افسار مرکب را در دست داشت و نفر چهارم ابن مسعود بود که در طرف راست ایستاده بود.

۴ - ﴿أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ .

آنها راستگویانند.

قید چهارم، صداقت و راستگویی می‌باشد. با این چهار قید عدّه فراوانی از مهاجرین از تحت شمول آیه بیرون خواهند شد.

نشانه‌های راستگویان در قرآن؛

بر اساس قسمت آخر آیه قیدی به عنوان صداقت وجود دارد اما صداقت و وفا به عهد هنگامی محقق می‌شود که تا پایان حیات استمرار داشته باشد. در میان صحابه کسانی بودند که زود تغییر جهت می‌دادند و به سمت و سویی که باد می‌وزید حرکت می‌کردند، در آن روزگار به این گروه می‌گفتند:

«بَدِّلْ وَاحِدٌ»^(۱).

عوض شد و تغییر کرد.

این تعبیر و اصطلاح در آن زمان شایع و رایج بود.

خداوند سبحان مهاجرین را صادق و راستگو معرفی نموده است. برای

۱- مسائل خلافتی، صفحه ۱۶۰.

اینکه دریابیم راستگویان چه کسانی هستند و چه نشانه‌هایی دارند به بررسی تعدادی از آیات قرآن مجید که در آنها به اوصاف راستگویان اشاره شده می‌پردازیم.

خداوند متعال فرار نکردن از جنگ را یکی از علائم راستگویان بر می‌شمارد. البته روشن است که فرار از جنگی که به فرماندهی رسول الله ﷺ یا امام معصوم علیه السلام باشد جزء گناهان کبیره نیز می‌باشد.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَعْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ * طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾^(۱).

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود که در آن فرمان جهاد باشد؟ اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می‌گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ فرار گرفته به تو نگاه می‌کنند، پس مرگ و نابودی بر آنان سزاوارتر است * اطاعت و سخن سنجیده برای آنان بهتر است و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می‌شود به خدا راست گویند برای آنان بهتر می‌باشد.

در میان صحابه عده‌ای بودند که شجاعت آنها مثال زدنی است!! آنها به پیامبر ﷺ اعتراض می‌کردند که چرا مدتی است آیات جهاد نازل نمی‌شود. اما همین افراد پس از نازل شدن آیات جهاد از ترس مرگ، بیهوش بر زمین می‌افتادند.

۱- سوره محمد ﷺ، آیات ۲۱-۲۰.

از علمای اهل سنت تقاضا می‌کنیم که به این پرسش پاسخ بدهند؛ از آنان می‌خواهیم یکی از پهلوانان و قدرتمندان عرب را نام ببرند که به دست یکی از خلفای سه گانه کشته شده باشد. این که گفته می‌شود خلیفه دوم شجاع و قدرتمند بود و پس از اسلام آوردن او همه ترسیدند و توازن قوا به نفع مسلمانان شد، از بزرگترین دروغهای تاریخ است. کسانی که این ادعا را دارند اگر راست می‌گویند، پهلوانانی که به وسیله خلیفه دوم در غزوات کشته شده‌اند را نام ببرند. **آری! آنان شجاع بودند، اما نه با دشمنان بلکه با مسلمانان.** خلیفه دوم با مسلمانان برخوردی بسیار تند و خشن داشت و بسیاری از زنان از او می‌ترسیدند^(۱).

خداوند سبحان در آیه‌ای دیگر در رابطه با صادقین می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَصَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا﴾ * لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾^(۲).

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، بعضی پیمان خود را به آخر بردند و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند * هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا توبه آنها را بپذیرد، چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است.

برخی از مهاجرین نه تنها از جنگ فرار می‌کردند و به عهد و پیمان خود

۱- تاریخ مدینه المنوره، جلد ۲ صفحه ۶۸۲، حیاة الحیوان الکبری، جلد ۱ صفحه ۴۹.

۲- سوره احزاب، آیات ۲۴-۲۳.

وفادار نبودند بلکه با مسلمانان و پیامبر ﷺ برخوردی تند و خشن داشتند و در سخن با رسول الله ﷺ جانب ادب و نزاکت را رعایت نمی‌کردند. همین امر سبب شد که خداوند متعال در آیاتی چگونگی حرکت و سخن گفتن مسلمانان با پیامبر ﷺ را به آنها آموزش دهد.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴾ (۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمارید و پیشی مگیرید و تقوی الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و دانا است * ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید، آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید.

علماء اهل سنت پاسخ دهند؛ پرخاش بی ادبانه عمر در ماجرای استغفار پیامبر ﷺ برای عبدالله بن ابی، این کهنه منافق مدینه و نماز خواندن پیامبر ﷺ بر جنازه او و کشیدن لباس پیامبر ﷺ به نشانه اعتراض توسط عمر را چگونه توجیه می‌کنند (۲).

۱- سوره حجرات، آیات ۲-۱.

۲- تحفة الأحباب، صفحه ۲۵۲ و از منابع اهل سنت بنگرید به در المنثور، جلد ۳ صفحه ۴۷۳ و اسد الغابه، جلد ۳ صفحه ۱۹۷. پیامبر ﷺ در پاسخ به اعتراض عمر فرمودند: وای بر

طبق بیان قرآن کریم، اعتراض به پیامبر ﷺ همانند اعتراض به خداوند می‌باشد؛ زیرا خواست و ارده رسول الله ﷺ با اراده و خواست خداوند متعال یکسان می‌باشد.

خداوند سبحان درباره پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^(۱).

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید * آن چه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

تمام اهل سنت، سلفی‌ها و وهابیه‌ها، باید سپاسگزار بنی امیه باشند و هر سال برای معاویه یک جشنواره با شکوه برپا کنند؛ زیرا دستگاه بنی امیه و معاویه پول‌های بیت المال مسلمین را به انسانهای خود باخته و دروغ گو پرداختند و از آنان خواستند که روایات فراوانی جعل کنند. این روایات عمده سرمایه‌روایی اهل سنت را تشکیل می‌دهد. قسمت عمده سرمایه‌روایی اهل تسنن، دست ساخته‌ی راویان دروغگو و جعلی است که با پول معاویه جعل روایت کردند و برای خلفاء سه گانه فضیلت و منقبت ساختند. که اگر این جاعلان نبودند، اهل سنت امروزه چنین سرمایه‌ای نداشتند و دنیای اسلام نیز گرفتار روایات بی اساس نبود.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر در مورد صادقان می‌فرماید:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ

→ تو و آیا دانستی که من چه گفتم همانا گفتم: «اللهم احش قبره ناراً وجوفه ناراً وأصله النار» به واسطه اعتراض عمر ظاهر شد از رسول خدا ﷺ آن چیزی که دوست نمی‌داشت ظاهر شدن آن را.

۱- سوره نجم، آیات ۴-۳.

غَفُورٌ رَّحِيمٌ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿۱﴾.

عربهای بادیه نشین گفتند: ایمان آورده ایم، بگو: شما ایمان
نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم اما هنوز ایمان وارد قلب شما
نشده است و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش شما
فروگذار نمی کند، خداوند، آمرزنده مهربان است * مؤمنان واقعی
تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز
شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا
جهاد کرده اند، آنها راستگویانند.

طبق این آیه، بین اسلام و ایمان تفاوت وجود دارد. مؤمنان واقعی کسانی
هستند که از خدا و رسول او ﷺ اطاعت می کنند و هیچ شک و تردیدی در دل
خود راه نمی دهند.

آیا کسی که ادعا می کند از صحابه رسول الله ﷺ است اما از دستورات
پیامبر ﷺ اطاعت نمی کند مؤمن است؟ آیا چنین کسی می تواند عادل باشد!؟

رفتار خلیفه دوم با پیامبر ﷺ؛

اعتراض خلیفه دوم بر پیامبر ﷺ در مورد صلح حدیبیه، نشانه ای
روشن از عدم ایمان او می باشد؛ زیرا اعتراض به معنای سرپیچی و تردید می باشد
که ریشه در بی ایمانی فرد دارد.

در سال ششم هجری پیامبر ﷺ با گروهی از اصحاب برای به جای

۱-سوره حجرات، آیات ۱۵-۱۴.

آوردن مناسک حجّ از مدینه به سمت مکه حرکت کردند. آنها نه تنها با خود شمشیر و سلاح حمل نکردند، بلکه گوسفندها و شترها قربانی خود را به پیش راندند که نشان از قصد آنها برای به جای آوردن اعمال حجّ داشت. اما سران مشرکین اجازه ورود مسلمانان را به مکه ندادند و سپس از طرف مشرکین سهیل ابن عمر همراه با گروهی خدمت رسول الله ﷺ آمدند و پیمان صلحی به نام حدیبیه امضا کردند و بنابر این شد که مسلمانان از سال آینده طبق شرایط خاصی اعمال حجّ را به جای آورند^(۱). پس از امضا شدن پیمان صلح، خلیفه دوم به پیامبر ﷺ اعتراض کرد و گفت:

«ألسنا على حقّ وهم على باطل؟ قال بلى؛

آیا ما بر حق نیستیم و آنان بر باطل؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آری.

قال: أليس قتلنا في الجنة وقتلاهم في النار؟ قال بلى؛

آیا کشته شدگان ما در بهشت نیستند و کشته شدگان آنان در جهنّم؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری.

قال: ففيم نعطي الدنّية في ديننا ونرجع ولما لا يحكم الله بيننا وبينهم؛

پس چرا در برابر آنان خوار و پست گردیم و چرا خداوند بین ما

داوری نمی کند.

فقال: يا ابن الخطاب! إني رسول الله ولن يضيعني الله أبداً؛

پیامبر ﷺ در پاسخ فرمودند: ای فرزند خطاب: من پیامبر هستم و

خداوند هرگز مرا تنها نمی گذارد.

سپس عمر به پیامبر ﷺ گفت: «مگر قول ندادی که به حج

۱- البدایة والنهایة، جلد ۴ صفحه ۲۰۲-۱۸۸.

می‌روید؟ پیامبر ﷺ در پاسخ فرمودند: «آیا گفتم که امسال اعمال حج را به جای می‌آورید؟»

پس از این گفتگو عمر با ناراحتی پیامبر ﷺ را ترک کرد و همان سؤالات را از ابو بکر پرسید و همان پاسخ را شنید^(۱).

در مورد متن پیمان صلح حدیبیه مشرکین به رسول الله ﷺ اعتراض کردند و عرض کردند: تمام اختلافات ما به این مسأله باز می‌گردد که ما شما را به عنوان رسول الله ﷺ قبول نداریم لذا باید این نام را از صلح نامه حذف کنید. رسول الله ﷺ شرط آنان را پذیرفتند، به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: نام مرا پاک کن. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ عرض کردند: من به خود اجازه نمی‌دهم نام شما را پاک کنم، در نهایت رسول الله ﷺ فرمودند: نام مرا نشان دهید من خود آن را پاک می‌کنم^(۲).

با یک مقایسه بسیار ساده می‌توان اوج ایمان و ادب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به پیامبر ﷺ را دریافت و در مقابل به نهایت جسارت و بی ادبی، خلیفه دوم پی برد.

پیامبر ﷺ که خود قانونگذار است و به سر چشمه وحی متصل است، دستور صریح دادند که از احرام خارج شوید و فرمودند:

«قوموا فاتحروا ثم احلقوا، قال فوالله ما قام منهم رجل حتى قال ذلك ثلاث مرّات»^(۳).

۱- بحار الانوار، جلد ۲۰ صفحه ۳۳۵، از منابع اهل سنت بنگرید به، صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۷۵، مجمع الزوائد، جلد ۶ صفحه ۲۳۷ و مسند احمد، جلد ۲ صفحه ۴۸۶.

۲- بحار الانوار، جلد ۲۰ صفحه ۳۵۹.

۳- بحار الانوار، جلد ۲۰ صفحه ۳۵۳، از منابع اهل سنت بنگرید به مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۳۳۱ و صحیح بخاری، جلد ۳ صفحه ۱۸۲.

برخیزید و حیوانات خود را ذبح کنید و موهای خود را بتراشید، به خدا سوگند هیچ کسی برنخواست تا اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه بار کلام خود را تکرار کردند.

اما عده‌ای که خود منحرف و گمراه بودند و نفس مسموم کننده‌ای نیز داشتند علاوه بر اینکه مخالفت کردند دیگران را نیز به سرپیچی تشویق کردند. آیا کسانی که نسبت به فرمایش رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تردید و دو دلی داشتند و از دستور ایشان تمرد می‌کردند جزء صادقین هستند؟! خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^(۱).

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

آری! گردن نهادن و اطاعت از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شرایط ایمان است. آیا می‌توان قائل به عدالت کسانی شد که ایمان ندارند؟! نتیجه سخن اینکه عدالت مهاجرین در صورتی محرز می‌باشد که دارای همه چهار شرط و قید مذکور باشند. فقدان هر یک از قیود چهارگانه فوق موجب خروج مهاجرین از دایره عدالت می‌گردد.

۱- سوره نساء، آیه ۶۵.

عدالت انصار و قیود آن؛

آیه ۹ سوره حشر که بنابر نظر قائلین عدالت صحابه، دلالت بر عدالت انصار می‌کند نیز دارای قیودی می‌باشد و تنها در صورتی که انصار واجد آن قیود باشند عادل خواهند بود.

آن قیود عبارت‌اند از:

۱ - ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ .

و برای کسانی که در سرزمین مدینه و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند.

آیه فوق شامل حال هر کسی که منزلی در اختیار مهاجری قرار داده است، نمی‌گردد بلکه باید نخست ایمان داشته باشد^(۱) و بیان نمودیم که اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ یکی از شرایط مهم ایمان می‌باشد.

۲ - ﴿يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾ .

و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند.

۳ - ﴿وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا﴾ .

و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند.

به این معنا که به عنوان نمونه پس از اینکه رسول الله ﷺ اموال بنی

نضیر را در میان مهاجرین تقسیم کردند، ناراحت و آزرده نمی‌شوند و آرزوی دست

۱- اساساً شرط پذیرش هر عبادت یا عمل صالحی داشتن ایمان است.

یابی به آن اموال را نمی‌کنند.

۴ - ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ .

و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. ایثار و ترجیح مهاجران بر خود آن هم در صورتی که خودشان نیز محتاج و نیازمند باشند.

۵ - ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ﴾ .

کسانی که از حرص و بخل، نفس خویش باز داشته شده‌اند. باید دو رذیلت اخلاقی بخل و حرص را از وجود خود بیرون کرده باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام نمونه برجسته ایثار؛

اگر این مطلب را که آیه فوق در رابطه با انصار نازل شده است بپذیریم، ارتباطی به عدالت همه صحابه ندارد و فقط کسانی را که واجد این قیود باشند می‌توان عادل نامید. برخی از مفسران نظر دیگری دارند و می‌گویند آیات فوق ربطی به مهاجرین و انصار ندارد و شأن نزول آن در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد. یکی از مفسران اهل سنت در این باره می‌گوید: روزی مردی خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: «من گرسنه‌ام چه کسی می‌تواند مرا سیر کند؟» رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از همسرانش طعامی خواستند، اما آنان عرض کردند: «به جز آب چیزی نداریم». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «چه کسی می‌تواند امشب از

این فرد پذیرایی کند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام آمادگی کردند و آن مرد را با خود به خانه بردند. وقتی حضرت زهرا علیها السلام از وجود مهمان آگاه شدند به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ما طعامی جز آنچه که برای فرزندانمان است نداریم». امیرالمؤمنین علیه السلام به همسر خود فرمودند: «فرزندان را بخوابان و چراغ را خاموش کن. آنگاه با مهمان خود بر سر سفره نشستند و برای آنکه مهمان خیالی آسوده داشته باشد وانمود کردند غذا می‌خورند»^(۱).

لئمة اطهار علیهم السلام و سبقت در ایمان؛

آیه ۱۰ سورة حشر، که نظریه پردازان عدالت صحابه با استناد به آن، بیان واقعیات تلخ و انحرافات صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را ممنوع و محکوم می‌کنند، دارای ظرافتی خاص می‌باشد. در این آیه قید بسیار مهمی ذکر شده است که در جلسات گذشته پیرامون آن به تفصیل سخن گفتیم^(۲). آن قید چیزی جز سبقت در ایمان نیست.

﴿الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾

کسانی که در ایمان بر ما پیشی گرفتند.

به طور خلاصه ما باید نسبت به کسانی که در ایمان بر ما سبقت گرفته‌اند کینه و حسادتی نداشته باشیم.

۱- امالی طوسی، صفحه ۱۸۵ از منابع اهل سنت بنگرید به شواهد التنزیل، جلد ۲ صفحه ۲۴۶.

۲- به جزوات شماره ۳۵ و ۳۴ مراجعه کنید.

اما سابقین در ایمان چه کسانی هستند؟ آیا به جز امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرات معصومین علیهم السلام کسی واجد این قید می‌باشد؟ در تأیید این نظر اهل سنت روایتی نقل کرده‌اند.

«سابق هذه الأمة عليّ ابن أبي طالب»^(۱).

[حضرت] علی ابن ابی طالب علیه السلام در اسلام بر تمام امت پیشی گرفته بود.

با توجه به مطالبی که تا به حال بیان نمودیم روشن شد که استدلال علمای اهل سنت به این آیات در مورد عدالت همه صحابه، استدلالی علیل و بی اساس است.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- لسان المیزان، جلد ۲ صفحه ۴۹، مناقب ابن مغازلی، صفحه ۳۲۰، تذکرة الخواص، صفحه ۲۱.

خودآزمایی؛

- ① اهل سنت، عدالت مهاجرین و انصار را چگونه اثبات می‌کنند؟
- ② برای مهاجرین و انصار چه قیودی در قرآن کریم ذکر شده است؟
- ③ آیا همه مهاجرین با قصد قربت به مدینه مهاجرت کردند؟
- ④ ابو بکر و عمر در جنگ خیبر چگونه عمل کردند؟
- ⑤ پیامبر ﷺ در جنگ خیبر در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چه فرمودند؟
- ⑥ آرزوی عمر بن خطاب در مورد فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام چه بود؟
- ⑦ در قرآن کریم برای راستگویان چه نشانه‌های ذکر شده است؟
- ⑧ خلیفه دوم با چه کسانی برخورد تند و خشن داشت؟
- ⑨ دو نمونه از اعتراضات عمر بر پیامبر ﷺ را ذکر کنید.
- ⑩ سرپیچی عمر از دستورات پیامبر ﷺ نشانه چیست؟
- ⑪ امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام چگونه از مرد گرسنه پذیرایی کردند؟
- ⑫ سابقین در ایمان چه کسانی هستند؟ و ما چه وظیفه‌ای در قبال آنان داریم؟

از علمای اهل سنت تقاضا می‌کنیم که به این پرسش پاسخ بدهند: از آنان می‌خواهیم یکی از پهلوانان و قدرتمندان عرب را نام ببرند که به دست یکی از خلفای سه‌گانه کشته شده باشد. این که گفته می‌شود خلیفه دوم شجاع و قدرتمند بود و پس از اسلام آوردن او همه ترسیدند و توازن قوا به نفع مسلمانان شد، از بزرگترین دروغهای تاریخ است. کسانی که این ادعا را دارند اگر راست می‌گویند، پهلوانانی که به وسیله خلیفه دوم در غزوات کشته شده‌اند را نام ببرند. آری! آنان شجاع بودند، اما نه با دشمنان بلکه با مسلمانان. خلیفه دوم با مسلمانان برخوردی بسیار تند و خشن داشت و بسیاری از زنان از او می‌ترسیدند. (صفحه ۱۲ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیکی: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۱

۲۵